مدیر گروه فیلم و سریال شبکه یک به صبا گفت:

خطاهای پلیس را هم به تصویر می‌کشیم

یکشنبه شب مهدی فرجی مدیر شبکه یک سیما به همراه رحمان سیفی‌آزاد مدیر گروه فیلم و سریال، محمدرضا پورحسن مدیر روابط عمومی شبکه یک و دکتر سعید منتظرالمهدی معاون اجتماعی ناجا در محل تصویربرداری سریال «میکائیل» در لواسان تهران حضور پیدا کردند و از نزدیک شاهد ضبط بخش‌هایی از این سریال بودند.

رحمان سیفی‌آزاد مدیر گروه فیلم و سریال شبکه یک سیما درباره موضوع سریال «میکائیل» و تأثیری که پخش مجموعه‌های تلویزیونی پلیسی بر جامعه می‌گذارد، به صبا گفت: این سریال حول و حوش بهبود روابط مردم با نیروی انتظامی، کلانتری‌ها و مسائل مربوط به این موضوع است. پخش چنین سریالی منجر به اعتمادسازی، رابطه محبت‌آمیز و احساس امنیت اجتماعی برای اقشار مختلف جامعه می‌شود و به آن‌ها کمک می‌کند تا مسائل خود را توسط مأمورین نیروی انتظامی حل کنند. در ضمن تحقیقات نشان می‌دهد که سریال‌های پلیسی برای مخاطبان در همه جای دنیا جذابیت دارد.

مدیر گروه فیلم سریال شبکه یک سیما در ادامه گفت: داستان «میکائیل» دراماتیک است و مخاطبان شاهد چالش‌های بین

افراد در سریال میکائیل خواهند بود. شبکه یک سیما اولین شبکه‌ای است که طی دو الی سه سال گذشته ضمن به تصویر کشیدن بخشی از فعالیت‌های شبانه‌روزی نیروی انتظامی خطاهای پلیس را هم نمایش داده است، ولی این خطاها، خطای عمومی نیست بلکه خطای فردی است. شبکه یک سیما تلاش دارد ضمن باورپذیری فضای دراماتیک واقعیت‌ها، فعالیت‌های مخلصانه و پاک پرسنل نیروی انتظامی در حاشیه برخی رفتارهای شخصی و احساسی پنهان نماند؛ زیرا افرادی که در نیروی انتظامی خدمت می‌کنند، باهوش و با درایت هستند که در تقابل با افراد شرور (که آن‌ها هم باهوشند) قرار می‌گیرند، اما با ایمان به خداوند و احساس مسئولیت، میزان خطای آن‌ها کم می‌شود.

سیفی‌آزاد در پایان گفت: پیش بینی ما این است که سریال «میکائیل» اسفند امسال روی آنتن شبکه یک برود.

انتقادهای تند برزیده کارگردان سریال در گفتگو با صبا:

«دولت مخفی» یک فاجعه است!

نژلا پیکانیان

«دولت مخفی» یک پروژه الف تلویزیونی است که چند شبی است از شبکه دوم سیما پخش می‌شود، سریالی که جدا از قصه، در ظاهر نیز شباهتی به دیگر تولیدات اینچنینی صدا و سیما ندارد. در تیتراژ این سریال نام دو نفر به عنوان کارگردان آمده، ساخت این سریال یک‌بار در زمان تولید متوقف شد و برای ادامه کار کارگردان دیگری به پروژه پیوست. عبدالحسن برزیده ساخت فاز اول این سریال را برعهده داشته و راما قویدل هم فاز دوم این مجموعه را کارگردانی کرده است. به بهانه پخش این مجموعه تلویزیونی گفتگویی با عبدالحسن برزیده داشتیم که در ادامه می‌خوانید.

یکی از اولین نکاتی که درباره سریال «دولت مخفی» سؤال‌برانگیز است، حضور دو کارگردان در این مجموعه است. چطور شد که این سریال را شما و راما قویدل با هم کارگردانی کردید؟

واقعیت این است که ما این سریال را با هم کارگردانی نکردیم. ما یک مجموعه ۲۶ قسمتی را شروع کردیم و بخش عمده‌ای از کار را نیز تصویربرداری کردیم. تقریباً تمامی بخش‌های مربوط به ایران گرفته شد و چند سکانس اردوگاه و اسارت باقی مانده بود. در شرایط بسیار بد که ماه‌ها بود عوامل از جمله خود من دستمزدی نگرفته بودند، تهیه‌کننده دیگر قادر نبود هزینه‌ها را تأمین کند و کار تعطیل شد. در این میان تلویزیون نیز قول و وعده می‌داد که هزینه را تأمین می‌کند ولی این زمان حدود سه ماه طول کشید. آن زمان من تصمیم داشتم فیلم سینمایی‌ام را بسازم و شرایط هم فراهم شده بود اما دوستان به من گفتند صبر کن و بمان. من هم مدتی صبر کردم و نهایتاً خود تهیه‌کننده اعلام کرد با این شرایط ظاهراً دیگر پروژه راه نمی‌افتد.

یعنی پروژه نیمه کاره رها شد؟

حدود یک سوم کار باقی مانده بود و من با مجوز تهیه‌کننده و با توجه به این که کار حالا حالاها شروع نمی‌شود، سراغ ساخت فیلم سینمایی‌ام، «مزار شریف» رفتم. دو ماه بعد پروژه راه افتاد و من درگیر کار بودم. بدون هماهنگی با من کار ادامه پیدا کرد، در صورتی که قاعده اخلاقی و حرفه‌ای این است که هماهنگی با کارگردان قبلی بشود، اما این اتفاق نیفتاد و کارگردان دیگری انتخاب شد.

همان روند قبلی ادامه پیدا کرد یا تغییراتی ایجاد شد؟

از آنجایی که فیلمنامه توسط من بازنویسی شده، بخشی از آن زمین ماند، این اتفاق درباره مونتاژ و جلوه‌های ویژه، صداگذاری، موسیقی و... نیز افتاد و همه این‌ها نیمه کاره ماند تا این که آقای راما قویدل آمدند و بخش اردوگاه را گرفتند. از طرف پروژه با من دیگر هیچ تماسی گرفته نشد. البته گویا دوستان به دلیل مصاحبه‌ای که کرده بودم و از پرداخت نشدن دستمزدها و رفتارهای غیر حرفه‌ای دیگر از جمله انتخاب کارگردان و... گله داشتم، دلخور بودند.

شما در مونتاژ و مراحل فنی بخش‌هایی که خودتان کارگردانی کرده بودید هم حضور نداشتید؟

به دلیل رفتار غیر حرفه‌ای دوستان خیر! بعد از این که کار سینمایی من تمام شد، «دولت مخفی» مراحل فنی‌اش را می‌گذراند، طبیعی است اگر من در مراحل فنی حضور داشتم لااقل این فاجعه‌ای که الان شاهدش هستیم اتفاق نمی‌افتاد. آقای آخوندی تهیه‌کننده این سریال خیلی در این بحث مدعی هستند و همین روزهاست که احتمالاً یک فیلم بسازند، ایشان دوست داشتند دخالت‌های مستقیمی در کار کنند و الان هم این اتفاق در سریال افتاده است. تیتراژ این سریال طراحی بسیار ضعیفی دارد و واقعاً بچه‌گانه است.

راما قویدل هم در مراحل فنی حضور نداشتند که حداقل بخشی از ایرادهای فنی برطرف شود؟

من خبر ندارم و نمی‌توانم تقصیر را گردن ایشان بیندازم. ولی من می‌گویم اگر آقای قویدل به عنوان کارگردانی که وقتی کار تمام شده پای آن بوده و مسئولیت داشته، در جریان بوده باید نظر تشان را می‌گفتند اما شاید الان از ایشان هم بپرسیم بگویند من در جریان کارهای فنی نبودم و خودشان مسئولیت کارها را بر عهده گرفتند. بنابراین من هم نمی‌توانم گردن ایشان بیندازم. گرچه مسئولیت داشتند همانطور که من هم به عنوان کارگردان مسئول بودم. الان من برای شما توضیح دادم که ماجرا از چه قرار بوده اما مخاطبی که کار را می‌بیند و اسم من را در تیتراژ به عنوان کارگردان می‌خواند چه می‌داند چه اتفاقی افتاده و در نهایت من را کاملاً مقصر می‌داند.

بازنویسی «دولت مخفی» را هم خود تان انجام دادید، فیلمنامه آن بخش از کار که شما به عنوان کارگردان در آن حضور نداشتید نیز دچار تغییر شد؟

متأسفانه ما در طول ساخت سریال بازنویسی هم می‌کردیم به این دلیل که تهیه‌کننده اصرار داشت کار زودتر شروع شود و معطل فیلمنامه نشویم. ناگفته نماند ما از دوستی هم خواستیم تا ما را در بازنویسی کمک کند. بگذریم از این که اینطور مواقع کسی که هم کار را بازنویسی می‌کند و هم کارگردانی، چه شرایط سختی را متحمل می‌شود، اما قرار شد ایده‌هایی که در طول کار به ذهنمان می‌رسد را به فیلمنامه اضافه کنیم، از جمله این که پرویز پسر خانواده که اصرار دارد به خارج از کشور برود و دیگر خبری از او نمی‌شود در بخش اسارت در اردوگاه دیده شود. در واقع او جزو کسانی بوده که می‌خواسته به صورت قاچاق از مرز فرار کند و به اسارت در آمده و به عنوان جاسوس به عراقی‌ها تحویل داده می‌شود. ما برای شخصیت پرویز که یکی از شخصیت‌های اصلی قصه است این قصه را طراحی کرده بودیم ولی این اتفاق نیفتاد و تصویربرداری تمام شد. پرویز را پسر من بازی می‌کند و من در جریان بودم که او برای بازی در نقش اردوگاه دعوت نشد، اما بعدها به دلیل این که احتمالاً متوجه شدند قصه دچار تزلزل شده از پسرم خواستند تا برود و در استودیو به شکل رادیویی دیالوگ‌هایی را بگوید. ایشان هم طلب دو سال پیش خود را در خواست کرده بود و آن‌ها هم گفته بودند نمی‌دهیم! او هم قبول نکرده بود.

«دولت مخفی» یک پروژه الف تلویزیون است، اما وقتی این سریال را دنبال می‌کنیم ضعف‌های بصری نیز خیلی نوی ذوق می‌زند، انتظاری که حداقل از یک پروژه الف نمی‌رود...

من که خودم به عنوان کارگردان در این پروژه حضور داشتم و سریال را ساختم، حالم بد می‌شود وقتی آن را می‌بینم. این فیلم آتالونژ (اصلاح نور و رنگ فیلم) نشده است! هر سکانس این سریال یک رنگ است و در برخی صحنه فلوو تار به نظر می‌رسد. این اتفاق در زمان تصویربرداری نیفتاده است. من می‌خواهم همینجا به آقای آخوندی بگویم بازی کردن با آبروی افراد کار بدی است و باید آن دنیا جواب داد. هیچ گناهی بدتر از این نیست که آبروی مؤمن را ببری. آقای عاشوری مدیر تصویربرداری این سریال به همراه گروهشان برای این کار زحمت کشیدند و من تمام آن شرایط سختی که این دوستان در سرما و برف کار می‌کردند را به خاطر دارم. این دوستان زحمت کشیدند و خوب کار کردند اما دوستان آن را به یک فیلمبرداری مسخره تبدیل کردند و آبروی آن‌ها را به بازی گرفتند.

در طول کار یا بعد از آن شما و تهیه‌کننده با هم اختلافی داشتید؟

نه، ما با هم هیچوقت قهر کردیم و هیچ بحثی بین ما پیش آمد. فقط بعد از طولانی شدن روند کار و تعطیلی پروژه من در مصاحبه‌ام گفتم که تهیه‌کننده باید با گروه تسویه کند و مطالبات آن‌ها را بعد از دو سال بدهد. پروژه بعد از آن تعطیلی ابتدایی دوباره شروع شود در فاز بعدی که اردوگاه بود خیلی از بازیگران فاز اول بازی نداشتند، طبیعی است که ابتدا با آن‌ها تسویه شود بعد کار با بازیگران جدید ادامه پیدا کند. جالب اینجاست که بعد از پایان فاز دوم با عوامل، تسویه شده و پول آن‌ها را دادند، اما پول کسانی که دو سال در پروژه بودند را ندادند.

قصه این سریال مربوط به دهه شصت و اوایل دهه هفتاد است و بخش‌های جنگی هم در کار دیده می‌شود. اساساً فکر می‌کنید هنوز این قصه‌ها برای مخاطب امروزی که بیشتر به دنبال زرق و برق در سریال‌هاست چقدر جذاب است؟

من معتقدم جنگ به خاطر سختی‌هایی که داشته، دلزدگی‌هایی ایجاد شده و با این موضوع در سینما و تلویزیون ما برخورد خوبی نشده است. فیلم‌های ضعیفی در رابطه با این موضوع ساخته شده و بیننده متأسفانه رغبت زیادی به تماشای کارهایی که با این موضوع ساخته می‌شود ندارد. این البته با وجود میل باطنی من است و من همچنان اعتقاد دارم جنگ همچنان موضوع جذابی است. در این قصه هم قرار بود ما موضوع جنگ را به مرور وارد داستان کنیم، به طوری که تماشاچی آن را بپذیرد و از جنس قصه‌مان شود، اما متأسفانه این اتفاق نیفتاد.

یادداشت

نگاهی به مجموعه تلویزیونی «دولت مخفی»

پا به پای گذشته

مازیار معاونی: دستمایه متحول شدن اوضاع اجتماعی و تغییر ساختار تثبیت شده خانواده‌ها به دنبال بروز شرایط جنگی در کشور بهانه تازه و بکری نیست، در واقع در کنار ده‌ها اثر سینمایی و مجموعه تلویزیونی که مستقیماً دوربین خود را به میدان جنگ می‌برند گروه دیگری از آثار نمایشی هم وجود دارند که بیشتر به تأثیرات جنگ از منظرهای متفاوت اجتماعی، فرهنگی و... می‌پردازند که مجموعه در حال پخش «دولت مخفی» هم یکی از آن‌هاست. مجموعه‌ای که آنطور که از اخبار بر می‌آید قسمت عمده‌اش را عبدالحسن برزیده کارگردانی کرده که به عنوان یک سینماگر حوزه دفاع مقدس شناخته می‌شود و تنها سابقه‌اش در مجموعه‌سازی، کارگردانی یکی از اپیزودهای سریال «راه شیری» بوده که همین بهار گذشته از شبکه دوم پخش شد.

«دولت مخفی» که تا لحظه نگارش این یادداشت (پخش قسمت هفتم) هنوز وجه تسمیه و علت نامگذاریش به این نام روشن نیست، در تضاد با اغلب مجموعه‌های امروزی تلویزیون فضایی قدیمی و شبیه به مجموعه‌های دهه‌های شصت و هفتاد سیما دارد. در واقع برزیده مضمونی متعلق به بازه زمانی سال‌های ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۹ (آنگونه که خود سریال می‌گوید) را با پرداختی سنتی که به همان بازه زمانی تعلق دارد به تصویر کشیده است. شاید یکی از بارزترین تفاوت‌های «دولت مخفی» با آثار قدیمی تلویزیون در صدابرداری سر صحنه این مجموعه و دوبله شدن سریال‌های گذشته باشد وگرنه از منظرهای دیگر شباهت این سریال با آثار متأخر سیما غیر قابل انکار است.

دوربین برزیده در «دولت مخفی» دوربینی است آرام و به دور از جنب و جوش که یواش یواش و سر صبر به سراغ حوادث و اتفاقات ساده داستان می‌رود، اتفاقاتی که در عین سادگی به شدت هم قابل پیش‌بینی هستند و مخاطب با صرف کمترین میزان انرژی ممکن و بدون نیاز به تمرکز آنچنانی می‌تواند پیگیر داستان باشد. البته کسی مخالف سرراستی قصه و سردرگم نکردن بیننده در پیچ و خم‌های گنگ غامض داستانی نیست ولی تقسیم‌بندی آدم‌ها به دو طیف سیاه و سفید و تنزل شخصیت‌پردازی تا حد یک داستان کودکانه که از همان فصل اولش کاراکترهای خیر و شر آن قابل شناسایی و تفکیک از یکدیگر باشند از آن پرداخت‌هایی است که در نسل مجموعه‌های نوین تلویزیون و در بحبوحه شخصیت‌پردازی‌های مدرن و تلاش برای ترسیم چهره‌ای واقعی‌تر از پرسوناژهای داستانی، دیگر به سختی می‌توان نمونه‌اش را پیدا کرد. البته همانطور که اشاره شد تا قسمت هفتم مجموعه شرایط به این منوال بوده و امکان ضعیفی وجود دارد که در ادامه داستان شرایط تغییر کند هر چند که خلاصه داستان «دولت مخفی» نشان می‌دهد که ماجرا از جایی دوپاره شده و ادامه مسیر به اسارت کاراکترهای اصلی قصه در عراق کشیده می‌شود که این دوپارگی به خودی خود می‌تواند پاشنه آشیلی برای سریال باشد چرا که در مجموعه‌ها (وحتی آثار ادبی مکتوب) که داستانی دو یا چندپاره دارند حفظ توازن و تعادل بین نیمه‌های آغازین و پایانی داستان از آن کارهای سخت و دشواری است که هر فیلمسازی به آسانی از عهده آن بر نمی‌آید، این که برزیده با تجربه در حوزه دفاع مقدس و راما قویدل که در زمینه ساخت تله فیلم و مجموعه‌های اپیزودیک و در کل تیم کارگردانی سریال تا چه اندازه در این آزمون دشوار موفق بوده‌اند، این که آیا «دولت مخفی» در ادامه مسیر بهتری را طی می‌کند یا به سرنوشت معمولاً بد سریال‌های دوپاره سیما («تابرده رنج» ساخته علیرضا بذرافشان، «معراجی‌ها» به کارگردانی مسعود ده‌نمکی و...) دچار خواهد شد یا نه سؤالی است که در ادامه سریال پاسخ داده خواهد شد.

اما به رغم تمام این اشکالات، «دولت مخفی» از یکی، دو منظر هم برای بینندگان تلویزیونی به خصوص برای پا به سن گذاشته‌ترها جذابیت‌هایی دارد، نخست آن که همین ریتم کشدار و پرداخت دهه شصتی که ذکرش رفت اگر برای اغلب مخاطبان تلویزیون یعنی جوان‌ترها که به سادگی به سریال‌های روز دنیا با آن پرداخت‌های خلاقانه و آن ریتم سریع و تعلیق‌های آنچنانی دسترسی دارند آزاردهنده است اما برای بزرگ‌ترها که با این نوع قصه‌گویی خاطره دارند دلنشین و جذاب است.

پیشنهاد تلویزیونی

«زیتون» را از جام جم ببینید

در چند سال اخیر شبکه‌های برون مرزی نیز مخاطبان خود را پیدا کرده‌اند و در همین راستا برنامه‌های متنوعی را تولید می‌کنند. شبکه جهانی جام جم یکی از این شبکه‌هاست که در میان مخاطبان ایرانی آن طرف آب علاقه‌مندانی پیدا کرده است.

«زیتون» یکی از برنامه‌هایی است که از این شبکه پخش می‌شود و با هدف ارائه اطلاعات پزشکی و افزایش آگاهی مخاطبان در زمینه سلامتی و بهداشت تهیه شده است. در این برنامه با دعوت از پزشکان معتبر و متخصص به نیازها و علایق مخاطبان پاسخ داده می‌شود. نام‌آوران سلامت، گیاهان شفابخش، نکته‌های پزشکی و اخبار پزشکی و بررسی رایانامه مخاطبان که توسط مجری دوم اجرا می‌شود نیز از دیگر آیتم‌های این برنامه است. همچنین در برخی موارد گزارش از کنگره‌های پزشکی نیز جزو آیتم‌های برنامه قرار داد. بخش جدید بیشتر بدانیم با موضوع اصلاح سبک زندگی از دیگر بخش‌های این برنامه است که با استقبال خوبی نیز روبه‌رو شده است. علاقه‌مندان می‌توانند این برنامه زنده را به تهیه‌کنندگی محمد صالحیان در روزهای پنجشنبه و جمعه از کانال اروپا به مدت ۵۷ دقیقه تماشا کنند. گفتنی است؛ برنامه «زیتون» در کانال‌های امریکا و آسیا نیز پخش مجدد می‌شود.

پیشنهاد رادیویی

«بدون خط خوردگی» هر روز در رادیو گفتگو

تولیدات مختلف که به بحث و گفتگو درباره موضوعات متفاوت و متنوع اجتماعی و سیاسی می‌پردازند از جمله‌های برنامه‌هایی هستند که از شبکه رادیویی گفتگو روی آنتن می‌روند. «بدون خط خوردگی» عنوان برنامه‌ای از این شبکه رادیویی است که هر روز بعدازظهرها پخش می‌شود.

این برنامه به روشنگری و تحلیل در رابطه با رویدادهای کلان سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و بالا بردن درک سیاسی مخاطب و تحلیل از وقایع روز می‌پردازد و علاقه‌مندان به این مباحث می‌توانند نظر کارشناسان مهمان در این برنامه را بشنوند. این برنامه علاوه بر موضوعات سیاسی و اجتماعی داخل کشور، اتفاقات کشورهای دیگر در این حوزه را نیز مورد بررسی قرار می‌دهد. «بدون خط خوردگی» در سال جاری موضوعاتی چون انتخابات افغانستان و آینده این کشور، ابلاغ سیاست‌های کلی سلامت از سوی رهبری، تصویب ندادن ویزا به نماینده ایران در سازمان ملل در سنای امریکا، دیدار رهبری با کارشناسان و مدیران سازمان انرژی اتمی و طرح تحول نظام سلامت را نایب رئیس کمیسیون انرژی مجلس مورد نقد و بررسی قرار داده است. «بدون خط خوردگی» به تهیه‌کنندگی علی اسماعیلی، وحید موسوی و حسن کلاهی و با اجرای کارشناسی عسکری، کاشفی و خانم حسنی دخت روزهای شنبه تا پنجشنبه ساعت ۱۹ تقدیم علاقه‌مندان می‌شود.

خاطرات کاغذی

دختر کبریت‌فروش

مریم فلاح: دختر کبریت‌فروش یک جورایی شبیه کوزت بود. خیلی با او احساس همدردی می‌کردیم. خصوصاً اگر که این کارتون بعدازظهرهای گرگ و میش زمستان پخش می‌شد. هوا سرد و تاریک است، دانه‌های برف ریزه ریزه روی موهای طلایی‌اش می‌نشیند. دخترک در بین قدم‌های بلند آدم بزرگ‌ها که برای رسیدن به مراسم شب عید تند تند راه می‌روند، داد می‌زند: «کبریت، کبریت دارم، کبریت...» ولی در هیاهوی شب عید، نه دیده می‌شود و نه حتی صدایش شنیده می‌شود. کم کم خیابان خلوت و هوا سردتر می‌شود. دخترک که از سرما دست‌هایش خشک شده، یکی یکی چوب‌های کبریت را آتش می‌زند تا گرم شود. در نور شعله کبریت‌ها چهره مهربان مادربزرگش را می‌بیند. کبریت‌ها یکی یکی می‌سوزد و دخترک کبریت‌فروش در شعله آخرین کبریت با چهره خندان مادربزرگش که از دنیا رفته یکی می‌شود.